

بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های جنگی سلاجقه (دندانقان، ملازگرد و قطوان)

محسن مؤمنی¹، علیرضا حیدری سورشجانی²

تاریخ دریافت: 1396/12/26
تاریخ پذیرش: 1397/03/05

از صفحه 97 تا 114

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی
سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار 1397

چکیده

ترکمانان سلجوقی در قرن چهارم هـ ق پس از ورود به سرزمین‌های اسلامی به دین اسلام گرایش پیدا کرده و مسلمان شدند. آنها در سال 431 هـ ق با شکست غزنویان، موفق به تشکیل حکومت شدند. در طول حکومت، شیوه‌های نظامی آنان دستخوش تغییر و تحولاتی گردید که بدون شک گذر از زندگی کوچ‌روی به زندگی یکجانشینی و آشنایی با شیوه زندگی ایرانیان در این تغییر و تحولات مؤثر بوده است. مسئله‌ای که پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال روشن نمودن زوایای تاریک آن می‌باشد، این است که در شیوه‌های جنگی سلاجقه از نبرد دندانقان تا نبرد قطوان در سال 536 هـ ق چه تغییراتی ایجاد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با بررسی هر یک از نبردهای دندانقان، ملازگرد و قطوان به ترتیب در آغاز، میانه و پایان حکومت سلاجقه بزرگ می‌توان به تغییرات ایجاد شده در شیوه حمله و دفاع و همچنین استفاده از ابزارها و ادوات مختلف پی برد. به‌خصوص روش و تاکتیک جنگ‌وگریز هر چه به پایان این حکومت نزدیک می‌شویم کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها

سلاجقه، دندانقان، ملازگرد، شیوه‌های جنگی، قطوان.

1- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول) m.momeni@urmia.ac.ir
2- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه ارومیه baranheydari1990@yahoo.com

مقدمه

سلجوقیان پیش از ورود به قلمرو اسلام و فلات ایران در ساختار نظامی حکومت‌هایی مانند خزرها و قراخانیان حضور داشتند. آنان با شکست غزنویان در دندانقان برتری شیوه‌های جنگی خود را در مقابل سپاه منظم، سنگین اسلحه و قدرتمند غزنوی نشان دادند. با ورود سلجوقیان به ایران و تشکیل یک حکومت متمرکز با استفاده از دیوان‌سالاران ایرانی، تغییرات مهمی را در زمینه ساختار و تاکتیک‌های جنگی خود ایجاد نمودند و در جنگ ملازگرد این تغییرات تأثیرگذار بود. هرچه به پایان عمر سلاجقه بزرگ نزدیک می‌شویم، شیوه‌های جنگی و نظامی آنان نیز دچار تغییر می‌شود. به‌خصوص در نبرد قطوان شیوه‌های جنگی سلاجقه تغییرات بیشتری را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر به‌منظور تحلیل روند تغییرات در شیوه‌ها و تاکتیک‌های سپاه سلجوقی حائز اهمیت می‌باشد و به دنبال آن است که نشان دهد دلایل و زمینه‌های این تغییرات از چه مسائلی ریشه می‌گرفته است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است شیوه جنگی سلاجقه از نبرد دندانقان تا نبرد قطوان چه تغییری پیدا کرده بود؟ بر این اساس، فرض می‌شود که شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی سپاه سلاجقه به دلیل ورود عناصر جدید مانند، پیاده‌نظام دیلمی، مزدوران نظامی و اقوام ساکن در فلات ایران چون لرها، اعراب و... دچار تغییر گردید.

پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌هایی توسط پژوهشگران تاریخ میانه ایران درباره سلجوقیان و جنگ‌های آنان انجام گرفته است، اما بیشتر این پژوهش‌ها بر اساس توجه بر دوره حکومت سلاطین این سلسله و در خلال ذکر حوادث دوران سلاطین به جنگ‌ها این سلسله با قدرت‌های مجاور و رقیب اشاره کرده‌اند. از منابعی که به‌صورت محدود و پراکنده به شیوه‌های جنگی سلاجقه به‌خصوص در اوایل ورود آنها به ایران پرداخته، کتاب تاریخ غزنویان تألیف باسورث، دارای اهمیت می‌باشد. در این کتاب جنگ دندانقان و دلایل شکست سلطان مسعود غزنوی مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. از مقاله‌هایی که در مورد جنگ‌های سلاجقه نوشته شده است می‌توان به مقاله «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام» تألیف محمدتقی امامی خویی اشاره کرد. در این مقاله تنها به موضوع دلایل و روند جنگ

ملازگرد و چگونگی پیروزی آلب ارسلان توجه شده است. وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های دیگر در زمینه ساختار نظامی سلجوقیان، بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های جنگی در سه مقطع زمانی اوایل، اواسط و اواخر این سلسله می‌باشد.

1- نبرد دندانقان (431 هـ ق)

تکاپو و زد و خورد در بین سلجوقیان و غزنویان از مدت‌ها پیش از نبرد دندانقان، در رباطی بین سرخس و مرو درگرفته بود و لزوم یک برخورد اساسی از سوی سلطان مسعود غزنوی را می‌طلبید. با آغاز سال 431 هـ ق سلطان مسعود غزنوی با یک سپاه برخوردار از سازوبرگ جنگی به سمت دندانقان رهسپار شد.

سپاه سلطان مسعود (432 هـ ق - 420 هـ ق) در جایگاهی فرود آمد که کمبود آب و گرمی هوا توان جنگ را از آنان گرفت. با وجود به دست آوردن پیروزی‌هایی در آغاز نبرد، سپاهیان سلطان مسعود برای آب با یکدیگر درگیر شدند، این موضوع سبب گردید تا سپاهیان سلجوقی به سرکردگی داود (چغری بیک)، وجود این اختلافات را غنیمت شمرده و با سوءاستفاده از چنین پیشامدی به سپاهیان غزنوی حمله کنند و پیروز میدان نبرد گردند (بیهقی، 1377: 531؛ ابن اثیر، 1371: 22/189؛ ابن خلدون، 1368: 4/5). افزون بر درگیری پیش آمده در بین سپاهیان غزنوی بر سر آب و نیز خستگی سپاهیان غزنوی از جنگ‌هایی که در دوران حکومت غزنویان وجود داشت، در آن روزگاران به دلیل سیاست‌های غلط حاکمان غزنوی، اوضاع خراسان به هم ریخته بود. عیاران نیز سر برآورده و نظم و قوانین نیز به هم خورده بود و همین عوامل باعث دلسرد شدن سپاه غزنوی بود. به گونه‌ای که سلجوقیان بدون جنگ توانستند وارد شهرهای مرو، هرات و نیشابور شوند (بویل و دیگران، 1381: 29/5). از سوی دیگر انگیزه‌ی بالای ترکمانان برای جنگ که برای بقای خود و خانواده‌هایشان می‌جنگیدند در این نبرد تأثیرگذار بوده است. از جمله اینکه سپاه غزنوی مسیر زیادی پیموده بود و اختلافاتی در بین سران آن مشهود بود (گردیزی، 1363: 431). یکی از عوامل شایسته بررسی در پیروزی سلجوقیان در نبرد دندانقان، شیوه جنگی در این نبرد است.

الف: شیوه‌های جنگی سلجوقیان در دندانقان

نیروهای سلجوقیان در جنگ دندانقان از ترکمانان بودند که با شرایط نبرد در صحرا آشنا و هماهنگ بودند و در جنگ‌ها بسیار سبک‌بار حرکت می‌کردند و به‌همین دلیل، کمبود آذوقه و علوفه برای آنان چندان مشکل‌آفرین نبود، اما در آن سوی نبرد، نیروهای سلطان مسعود غزنوی یک سپاه ثابت بودند که بدون تدارکات و توشه کافی در بیابان دچار مشکلات اساسی می‌شدند. سپاه بزرگ غزنویان، با فیلان و بنه جنگی سنگین به دندانقان رهسپار شد (حسینی، 1380: 50 - 49). با پیروزی سلاجقه بر غزنویان سلطان مسعود فرار کرده و به غزنه رفت. این شکست غزنویان باعث شد که سلجوقیان بر مناطقی از جمله خراسان و اطراف آن مستولی شوند (بیهقی، 1377: 461؛ ابن جوزی، 1412 ق: 267/15؛ ابن تغری بردی، 1413 ق: 29/5). آن‌گونه که از بررسی این نبرد استنباط می‌شود. سلجوقیان برخلاف غزنویان وسایل اضافی با خود به همراه نداشتند و آن‌چنان که بیهقی می‌نویسد، لشکر سلطان مسعود از عفونت هوای جرجان خسته بودند و چهارپایان از کثرت رفت‌وآمد کوفته بودند که چغری‌بک جمعی تازه‌نفس را بر سر غزنویان فرستاد. سلجوقیان چون ساخته و آماده جنگ نبودند منهزم شدند ولی به‌زودی به دلیل اختلاف و نزاعی که در بین سران سپاه غزنویان درگرفت، سلاجقه بازگشتند و بر سر لشکر سلطان مسعود زدند و شکست سختی بر ایشان وارد ساختند و مال و سلاح زیاد به دست سلجوقیان افتاد (بیهقی، 1377: 530 و 531؛ میرخواند، 1375: 4/663؛ ستارزاده، 1384: 30 و 31) که این امر نشان از شیوه خاص جنگ‌وگریز سلاجقه دارد. سلاجقه دو هزار نفر از افراد بی‌تجربه را به نگهبانی باروبنه گذاشتند و با شانزده هزار سوار به میدان نبرد وارد شدند که استفاده از سواره‌نظام را می‌توان یکی از دلایل پیروزی سلجوقیان عنوان نمود (لمبتون، 1363: 57).

تاکتیک جنگی سلاجقه در نبرد دندانقان روش جنگ‌وگریز بود که به دلیل نداشتن تجهیزات زیاد به سرعت میدان جنگ را ترک می‌کردند و با همان سرعتی که فرار کرده بودند حمله بعدی نیز اتفاق می‌افتاد. در سوی دیگر میدان جنگ، غزنویان به دلیل داشتن تجهیزات و باروبنه فراوان توان تحرک سریع و پاسخ سریع به حمله‌های ترکمانان سلجوقی را دارا نبودند. جنگ‌وگریز از شیوه‌های کهن در نزد اقوام دام‌پرور و

استپ نشین بود. زیرا قبایل کوچ رو پایبند به زمین خاصی نیستند و به هنگام لزوم در جنگ از شیوه جنگ‌وگریز استفاده می‌کنند.

ب: مدیریت نیروها

رهبران سلجوقی یک نوع سازمان‌دهی - هرچند ساده - در سپاه عشیره‌ای خود داشتند. آنان به سبب اتکا به نیروهای عشیره‌ای و هم‌قبلیگان خویش دارای نوع خاصی از مدیریت نیروها بودند به‌گونه‌ای که هر دسته کوچک از این نیروها زیر نظر فرمانده خود که امکان داشت رئیس ایل یا همان طایفه باشد توان درگیری مستقل را دارا بود. روابط حاکم بین فرماندهان دسته‌های کوچک با سربازان روابط ریشه‌دار خویشاوندی بوده است. درحالی‌که سلطان مسعود به دلیل استفاده از سپاه ثابت از چنین روابطی در سپاه خویش برخوردار نبوده است. نیروهای ترکمانان سلجوقی به‌راحتی از هم جدا شده و می‌توانستند عملیات نظامی انجام دهند. به‌گونه‌ای که منابع اشاره می‌کنند، سلجوقیان پس از پیروزی در نبرد دندانقان جرأت یافته و در خراسان پراکنده شدند. طغرل‌یک با قلع‌و‌قمع سپاه غزنوی به نیشابور رفت، موسی یبغو و ینالیان به مرو و چغری به بلخ و طخارستان رفتند (بیهقی، 1377: 536؛ راوندی، 1364: 97؛ جوزجانی، 1342: 1/249). وقتی سبّاشی از داود شکست می‌خورد متعذر می‌شود که «این قوم [سلجوقیان] به سه گروه پخش شده بودند، هر زمان که گروهی را تعقیب می‌کردم که پیش روی من بودند، دو گروه دیگرشان در پشت سر من آنچه می‌خواستند در بلاد می‌کردند» (ابن اثیر، 1371: 188/22).

2 - نبرد ملازگرد (463 ه.ق / 1071 م)

جنگ ملازگرد نخستین نبرد مهم پس از تشکیل حکومت سلاجقه‌ی بزرگ در ایران بود. در بهار سال 463 ق / 1071 م. رومانوس دیوجانوس، امپراتور بیزانس (1071 م - 1067 م) با سپاهی انبوه که در برگیرنده گروه‌هایی از فرانک‌ها، اسلاوها، نورمان‌ها، اوزها، خزرها، اغزها و قپچاق‌ها می‌شد، قصد تسخیر مناطقی در شرق آسیای صغیر را نمود و نخست راهی ارمنستان و سپس راهی ملازگرد شد (حسینی، 1380: 69 و 70؛ بویل و دیگران، 1381، 5/ 68؛ مشکور، 1350: 76). همراه سپاه روم در جنگ ملازگرد سه هزار گاو باربر بود که منجنیق‌ها را می‌کشیدند و بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین منجنیق، هفت

شاخه بود که آن را هفت گاو با کمک هزار و دویست مرد می کشیدند (بنداری اصفهانی، 1356: 50). ترکیب جمعیت سپاه امپراتوری روم بسیار نامتجانس بود و با هم انس و الفتی نداشتند حتی زبان یکدیگر را نیز نمی دانستند. بیشتر آنها از اقوام و نیروهای مناطق تابعه بودند (امامی خوئی، 1384: 52؛ مشکور، 1350: 76). این نبرد در دوران الب ارسلان (465 ه.ق - 455 ه.ق). انجام شد. آقسرای، تعداد نیروهای سلطان را در این جنگ دوازده هزار سوار می داند. در صورتی که سپاه رومانوس را پنجاه هزار سوار که در صحرای ملازگرد باهم برخورد می کنند (آقسرای، 1362: 16).

الف: شیوه های جنگی نبرد دندانقان در مقایسه با نبرد ملازگرد

الب ارسلان هنگام حرکت برای جنگ با رومانوس به سمت آذربایجان رهسپار شد و صلاح دید که نظام الملک را همراه با همسر خویش، با بارهای اسباب به تبریز روانه کند و با پانزده هزار سوار زبده و کارآموده از لشکرش که با هر یک اسبی به عنوان یدک بود به سمت ناحیه زهره در ملازگرد که سپاه دویست هزار نفری رومانوس فرود آمده بود حرکت کند (بنداری اصفهانی، 1356: 46 - 47). در نبرد دندانقان نیز منابع اشاره می کنند، سلاجقه دو هزار نفر از افراد بی تجربه را به نهبانی باروبنه گذاشت و با شانزده هزار سوار به میدان نبرد وارد شدند (لمبتون، 1363: 57). درباره جنگ ملازگرد همانند دندانقان سپاه بسیار سبکبار بوده و زنان و کودکان در اردوی سلطان آلب ارسلان حضور نداشتند (ستارزاده، 1384: 187).

شیوه نوین و تاکتیک خاصی که سلجوقیان در نبرد ملازگرد استفاده نمودند روش کمین و غافلگیری دشمن بود. نیروهای سلطان به علت کمی نفرات درصدد آغاز حمله از طرف دشمن و غافلگیر نمودن آنها بودند که این تاکتیک با موفقیت اجرا شد. نیروهای دو طرف چندین روز رو در روی هم قرار داشتند اما هیچ کدام اقدام به حمله نمی کردند. بخشی از سپاهیان سلطان دو روز بدون کوچکترین حرکت در کمینگاه بودند و با شروع حمله گسترده سپاهیان بیزانس، از پشت سر به دشمن حمله نموده و آنها را غافلگیر کردند (بنداری اصفهانی، 1356: 49 و 244؛ امامی خوئی، 1384: 56).

روش جنگ و گریز در نبرد ملازگرد به صورت منظم تر از دندانقان توسط سلجوقیان مورد استفاده قرار گرفت. چراکه از این شیوه بیشتر برای تحریک و کشاندن نیروهای

بیزانس به درون کمینگاه‌ها استفاده گردید. در این جنگ سپاه به چهار دسته تقسیم شده، دو قسمت از نیروها مأموریت داشتند که در اطراف و تپه‌ها پنهان شده و منتظر بمانند. شاخه سوم در جای مناسبی قرار گرفته بودند که وظیفه داشتند با نیروی احتیاط دشمن (سپاه کمکی روم که فرمانده آن آندرونیک بود) مقابله نموده و عقب جبهه را محافظت نمایند. بخش بیشتر سپاه به ریاست سلطان مأمور مقابله با عمده سپاه روم بودند. فرمان حمله از طرف آلب ارسلان صادر گردید (بنداری اصفهانی، 1356: 50؛ بهجت و هیکل آبادی، 1384: 105). سپاه روم متوجه این تاکتیک نبود و با عقب‌نشینی آرام، سپاه سلجوقی شروع به تعقیب آن کرد، نیروهای رومانوس در تیررس سپاه سلجوقی قرار گرفتند و دو قسمت از سواره‌نظام سلجوقی که در اطراف تپه‌ها پنهان شده بودند حمله خود را شروع کردند و سپاه روم از پشت و جلو ضربات زیادی خورد؛ رومانوس فرمان عقب‌نشینی داد اما فایده‌ای نداشت و رومانوس به اسارت سلجوقیان درآمد (بهجت و هیکل آبادی، 1384: 105). روش‌ها و تاکتیک‌های جدید دیگری نیز در ملازگرد استفاده شد که از جمله آن به این صورت بود که جوال‌هایی از خاک پر کردند و پشته‌هایی ساختند تا فلاخن‌اندازان و آتشباران و ناوک‌اندازان و تیراندازان از آنان بالا روند و با کمک فلاخن‌اندازان و تیراندازان بر رومیان پیروز شوند (حسینی، 1380: 75).

ب: عوامل روحی - روانی جنگ

مهم‌ترین سلاح در هر نبرد تحریک روحی - روانی سربازان است. این اسلحه‌ای بود که هر دو طرف نبرد ملازگرد به دنبال بهره‌گیری از آن بودند. رومانوس دیوجانوس، سعی کرد از تمامی توانمندی‌های بالقوه و بالفعل قلمرواش در بسیج سیاسی و نظامی کمک بگیرد. اقداماتش نشان داد که وی به‌نوعی رهبری جنگ مذهبی علیه مسلمانان را بر عهده دارد. قبل از حرکت، مراسم دینی و مناسک آیینی گسترده‌ای در کلیسای ایاصوفیه برپا داشت. از کشیشان مسیحی خواست تا برای پیروزی عالم مسیحیت دعا کنند و صلیب طلایی بزرگ را زیارت نمود (امامی خوبی، 1384: 51). در راستای تقویت روحیه مذهبی سربازان و ایجاد انگیزه برای مبارزه، روحانی بزرگ کشور و صلیب مخصوصشان را همراه خود حرکت می‌دادند (بنداری اصفهانی، 1356: 46). در سوی دیگر میدان نبرد ملازگرد، منابع اشاره می‌کنند «سلطان بعد از نماز خواندن شروع به

گریه کردن نمود و با گریه او سپاهیان نیز گریه کردند و برای پیروزی دعا کرد و مردم نیز دعا کردند» (حسینی، 1380: 83؛ ابن خلدون، 1368: 21/4). سلطان البارسلان به هنگام جنگ به لشکریان خود می‌گوید: «هر که را هوای بازگشتن است بازگردد. در اینجا پادشاهی نیست که امر ونهی کند. آنگاه تیر و کمان بیفکند و شمشیر و گرز بر گرفت... کفن پوشید و حنوط کرد و گفت اگر کشته شدم این کفن من باشد. پس به سوی دشمن راند» (ابن خلدون، 1368: 21/4). این اقدام سلطان آلبارسلان را این‌گونه می‌توان تفسیر کرد که آلبارسلان می‌خواست به سپاهیان خود بفهماند که تا آخرین لحظه جنگ باید مقاومت کنند و کسی حق فرار کردن ندارد و خود سلطان نیز با کنار گذاشتن سلاح تیر و کمان که معمولاً بر روی اسب استفاده می‌شده، قصد داشت نشان دهد که در کنار نیروهایش می‌ماند و جنگ می‌کند.

3 - جنگ قطوان (536 هـ ق)

جنگ قطوان از نبردهای اواخر دوره سلاجقه بزرگ می‌باشد که شیوه‌های نظامی و ادوات جنگی آن در مقایسه با نبردهای پیشین تفاوت‌هایی دارد. در سال 536 هـ ق محمودخان حاکم ماوراءالنهر از سلطان سنجر (552 هـ ق - 490 هـ ق) علیه غرق‌ها یاری می‌طلبد که سلطان به کمک او می‌شتابد. بین سلطان و قراختائیان در دشت قطوان درگیری به وجود می‌آید. نیروهای قراختایی به طرف سپاه سلطان سنجر رهسپار می‌شوند. راوندی تعداد این سپاه را این‌گونه توصیف می‌کند «با سپاهانی به عدد رمل و نمل و خیل غرق که سی چهل هزار سوار می‌شدند و لشکریان خراسان را وهن فراگرفت، در این درگیری سه چهار هزار نفر از امرای معروف و اربابان دولت کشته شدند و سلطان با سیصد سوار غرق در آهن بر میان لشکر کافر زد و از آن گذشت و روی به بلخ نهاد» (راوندی، 1364: 173؛ شبانکاره‌ای، 1376: 83/2). در این جنگ سپاه سلجوقی متحمل شکست سختی می‌شود. سی هزار مسلمان کشته می‌شوند و سنجر از میدان جنگ فرار می‌کند (میرخواند، 1375: 685/4؛ پرویز، 1351: 137؛ بارتولد، 1366: 687/2). به دلیل اینکه سلجوقیان در پایان حکومت خود از شیوه‌ی جنگ‌وگریز استفاده نمی‌کردند، سلطان سنجر پس از فرار نتوانست به تجدید قوا و تشکیل دوباره سپاه دست بزند و این امر نشان از فاصله‌گیری سلجوقیان از شیوه‌های جنگی خود در

آغاز حکومت دارد. از شکست سلطان سنجر در برابر قراختائیان به‌عنوان شکست مسلمانان در برابر کفار یاد می‌شود. چنان‌چه نظامی عروضی می‌نویسد: «گورخان خطائی به در سمرقند با سلطان عالم سنجر بن ملک‌شاه مصاف کرد و لشکر اسلام را چنان چشم‌زخمی افتاد که نتوان گفت» (نظامی عروضی، 1388: 119).

الف: شیوه‌های نظامی جنگ قطوان در مقایسه با نبرد دندانقان و ملازگرد

شیوه‌ی جنگ‌وگریز که بزرگ‌ترین عامل پیروزی سلجوقیان در دندانقان و شیوه کمین و غافلگیری در جنگ ملازگرد بود، در قطوان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. یکی از دلایل آن ضعف در گردآوری سپاه عشیره‌ای در اواخر دوره سلجوقی است. چرا که این شیوه نبرد به‌خوبی به‌وسیله ترکمانان و نیروهای عشیره‌ای انجام می‌شد. در پایان دوره سلجوقی سپاه ترکمان که در آغاز دوره سلجوقی ابزار مفیدی برای مقابله با دشمن بود در دسترس سلطان نیست. در این زمینه تفاوت چشمگیری با دوران پیش از خود دارد.

هنگامی که سپاه ثابت توسط سلجوقیان تشکیل گردید تدارکاتی مانند بیمارستان و بازار نیز همراه سپاه شد. به‌عنوان نمونه وقتی شمس الملک بن نظام الملک جانشین عمادالدین شد «برای سپاه سلطانی بیمارستانی تأسیس کرد که اسباب و سرآورده و دواها و پزشکان و پرستاران و بیماران را دوپست شتر بختی حمل می‌کردند» (بنداری اصفهانی، 1356: 158). برخلاف نبرد دندانقان که فقط از اسب استفاده می‌شد در اواخر حکومت سلجوقیان بزرگ استفاده از فیل و شتر به‌وفور در جنگ‌ها دیده می‌شود. چنانکه با انتشار خبر مرگ سلطان طغرل در سال 529 هـ ق، مسعود پسر محمد که در صدد گرفتن تاج و تخت بود با استفاده از شتر برف‌های کوهستان را لگدکوب کرده و راه را برای عبور سپاهیان می‌گشودند و توانست سپاه خود را به همدان رساند (شبانکاره‌ای، 1376: 114 / 2). سلطان سنجر ظاهراً در درگیری‌ها از منجنیق نیز استفاده می‌کرده، چنانکه معزی در یکی از مدح‌هایش برای سلطان که ظاهراً بعد از پیروزی بر سلطان خوارزمشاه می‌باشد می‌آورد:

ای کرده فتح و نصرت در مشرق آشکارا بگذشته زآب و جیحون و آتش زده در اعدا ...

از سنگ منجنیق شکسته حصن دشمن چنانکه از تجلی شکسته طور سینا

(معزی، 1362: 21).

سلاطین سلجوقی بیشتر اوقات خود را در لشکرکشی‌های نظامی و مسافرت در اطراف امپراتوری می‌گذراندند و همین امر باعث می‌شد که علاوه بر سپاه ثابت نیروهایی چون خدمه، پزشک همراه آنها باشند. بنابراین در نبرد قطوان نیز باید این تدارکات به همراه سپاه سلطان سنجر باشند. در نبرد قطوان استفاده از سپاه ثابت باعث گردید از تحرک و سرعت عمل سپاه سلطان کاسته شود و عامل غافلگیری و روش جنگ‌وگریز که سال‌ها عامل پیروزی ترکمانان سلجوقی بر دشمنان بود دیگر مورد استفاده قرار نگیرد. هرچند هنوز هم مهم‌ترین سلاح کاربردی در سپاه سلطان سنجر تیر و کمان بوده است. زمانی که گورخان قراختایی از سلطان سنجر خواست که از صدمه زدن به غرق‌ها و تعقیب آنان چشم‌پوشی نماید. جواب سنجر درواقع محکم و تهدیدکننده بود و از فراوانی افراد سپاه و انواع سلاح‌های آنان و اینکه تیراندازان وی قادرند مورچه را نیز هدف قرار دهند بحث کرد (قفس اوغلی: 66). استفاده نکردن از تاکتیک جنگ‌وگریز و یا تاکتیک کمین و غافلگیری توسط سپاه سلطان سنجر در نبرد قطوان باعث گردید سپاه محاصره و دچار شکست شود.

مقایسه نقش ترکمانان در نبردهای سه‌گانه

منابع گواهی می‌دهند که طغرل «تصرف ارمنستان و آناتولی را به گروه‌هایی از ترکمانان کم‌تجربه و نه چندان منضبط واگذاشت» (بازورث و دیگران، 1380: 84). الب ارسلان و فرزندش ملک‌شاه که طی سال‌های 65 - 445 هـ ق با لشکرکشی‌های بی‌وقفه بر وسعت امپراتوری افزودند. با اعزام ترکمانان و اردوهای آنها به سمت غرب یعنی به درون قفقاز و آناتولی شاهزادگان مسیحی و نیز فاطمیان و هواداران آنها در سوریه می‌توانستند با تصرف مناطقی از قفقاز و آناتولی، هم سرریز قبایل ترکمان را به این مناطق رهسپار کنند و هم ترکمانان را که یک نیروی بالقوه بودند از مرکز حکومت دور نگه‌دارند. سلجوقیان که در مقام رهبران نظامی قبایل به قدرت رسیدند در ابتدا نیز به قدرت نظامی عناصر قبیله‌ای متکی بودند موقعیت آنان هم با سامانیان و هم غزنویان که سپاه کارآزموده و صاحب مستمری داشتند متفاوت بود. حتی رقبای آنان در غرب یعنی آل‌بویه و فاطمیان نیز به یک سپاه حرفه‌ای و متشکل از چند قومیت متکی بودند. سلاجقه به دلیل اینکه منشأ و مبدأ قبیله‌ای و عشیره‌ای داشتند به راحتی می‌توانستند

از قدرت مردان قبیله و قبایل هم‌پیمان در صورت لزوم استفاده کنند، اما در پایان حکومت، ضعف سلجوقیان در جمع‌آوری نیروهای عشیره‌ای از عواملی شد که ایجاد یک سپاه ثابت را الزامی می‌کرد. هرچند تکیه مداوم بر نیروهای عشیره‌ای نیز مشکلاتی ایجاد می‌کرد و لازم بود که یک سپاه وفادار به سلطان ایجاد شود؛ زیرا ممکن بود نیروهای عشیره‌ای خود با قدرت گرفتن زیاد باعث ایجاد دردسر برای حکومت سلجوقیان شوند و یا این نیروها در خدمت مدعی دیگری از بین سلجوقیان قرار گیرند. سپاه ثابت نیاز به هزینه‌ی اقتصادی داشت؛ بنابراین نظام الملک بیان می‌کند، باید امیران و پادشاهان کشورهای اطراف را موظف کرد که به خزانه سلطان در مقابل مصون بودن از تعرض بارهای مالیات و خراج بفرستند و هنگام نیاز با سپاه خود به سلطان یاری رسانند (نظام الملک، 1348: 68). سلاجقه که خود پیشینه نظامی داشتند و بر اساس ماهیت ایل و طبق سنت کوچ روی ایلات برای به دست آوردن مسکن و چراگاه از ترکستان وارد ماوراءالنهر شده بودند به یک‌باره نمی‌توانستند استفاده از سپاه عشیره‌ای را رها کنند و سپاه ثابت را جایگزین آن نمایند. همچنین سپاه ثابت هزینه‌های زیادی ایجاد می‌کرد از سوی دیگر در مهاجرت گسترده ترکمانان سلجوقی ایلات دیگری چون ترکمانان بودند که کار آنان فقط سپاهیگری بود که رهبری آنان با سلاجقه بود (ستارزاده، 1384: 21).

قبایل ترکمن در سده پنجم قمری / یازدهم میلادی. همچنان اهمیت نظامی خود را حفظ کردند، اما سلاطین سلجوقی سیاست منحرف و سرگرم ساختن آنها و اتباعشان در مرزهای امپراتوری نظیر آناطولی، قفقاز و سوریه را پیش گرفتند و این ترکمانان در نواحی مذکور فرصت‌های بی‌شماری برای جهاد با مسیحیان و گروه‌های مسلمان مخالف قدرت خود مانند اسماعیلیان سوریه و فاطمیان داشتند (بویل و دیگران، 1381: 5/196). نظام الملک درباره استفاده از ترکمانان در سپاه بیان می‌کند: هرچند از ترکمانان - به دلیل راهزنی - مزاحمتی ایجاد شده اما ایشان بر دولت حقی دارند و از فرزندان آنان باید به‌عنوان غلام پرورش داد تا روش سلاح به دست گرفتن و خدمت کردن را به دست بگیرند تا از دولت هیچ نفرتی نداشته باشند (نظام الملک، 1348: 157). نظام الملک معتقد بود اگر ترکمانان پیوسته در خدمت باشند همچون غلامان خدمت کنند. «از سیاست واگذاری ایالات گوناگون امپراتوری پیداست که سلطان سعی می‌کرد با واگذاری

نان پاره و امتیاز بدان‌ها، آنها را در قدرت امپراتوری سهیم گرداند» (بازورث و دیگران، 1380: 83).

با توجه به نظریات نظام الملک استفاده از هر عشیره‌ای از آغاز سلطنت تا پایان همچنان باقی و پا برجاست و تنها ترکمانان نبودند که نیروی نظامی را برای سلاجقه فراهم می‌کردند. به‌مرور زمان استفاده از اکراد، شبانکاره‌ها و اعراب نیز در سپاه معمول گردید. به‌طور مثال؛ اتحاد سیف‌الدوله صدقه امیر بنی مزید با برکیارق باعث شد که در درگیری سال 493 هـ ق سلطان برکیارق با برادرش سلطان محمد، که به جنگ سفیدرود معروف است، سپاهی به فرماندهی پسرش عزالدوله در اختیار برکیارق قرار دهد. این نبرد که نخستین نبرد از نبردهای پنجگانه این دو مدعی قدرت بود به شکست برکیارق منتهی شد (ابن اثیر؛ 1371: 23/280-260).

نظام الملک در سیاست‌نامه تأکید می‌کند که سپاه نباید از یک جنس باشد: «چون لشکر همه از یک جنس باشند، از آن خطرها خیزد و سخت‌کوش نباشند و تخلیط کنند. باید که از هر جنسی باشند و دو هزار مرد دیلم و خراسانی باید که مقیم بر درگاه باشند... و اگر از این، بعضی گرجیان و شبانکارگان پارس باشند، روا بود که این جنس هم مردان نیک باشند» (نظام الملک، 1348: 154). اندرزنامه نویسان این دوره نیز بر این موضوع تأکید نموده‌اند. چنان‌که در قابوس‌نامه آمده است: «نباید که همه لشکر از یک جنس (قوم) باشد و هر پادشاهی که لشکرش از یک جنس باشد، اسیر لشکر خویش می‌شود و دائم زبون باشد؛ زیرا یک جنس همیشه متحد یکدیگر هستند و نمی‌توان آنان را سرکوب کرد، اما زمانی که لشکر از هر جنس باشد می‌توان به‌وسیله یکدیگر آنان را سرکوب کرد و هر قوم از بیم قوم دیگر نافرمانی نخواهد کرد و همیشه لشکر گوش به فرمان تو خواهد بود» (عنصرالمعالی، 1371: 233).

در سپاه عشیره‌ای سلاجقه به‌جز ترک و ترکمان که تکیه اصلی سپاه بر آنان بود از اقوام دیگری نیز چون گُرد و دیلم و لُر نیز استفاده می‌کردند. به‌عنوان مثال کردهای شبانکاره در سپاه سلجوقیان نقش ایفا می‌کردند. لُر‌ها نیز در سپاه سلاجقه حضور داشتند و حتی به کمک ابوطاهر بن علی بن محمد در خدمت سنقر سلغری توانستند در مناطق لرستان و کهگیلویه صاحب اختیار شوند (یوسفی فر و اصغری، 1392: 126). البته این مناطق از دوران باستان نیز متعلق به قوم لُر بوده است. سلاجقه افزون بر سپاه

عشیره‌ای از سپاه ثابت نیز استفاده کردند. در دوران سلطان سنجر بود که قراجه ساقی از لشکرهای عراق و آن اطراف «صد هزار سوار نیزه‌دار خفتان پوش برگستوان دار از ترک و رومی و عرب» گردآوری کرده و عصیان کرد (الکاتب السمرقندی، 1349: 407-406). استفاده از نیروهای اقوام ایرانی در سپاه که از دوران الب ارسلان شروع شد لزوم تغییر در تاکتیک‌های جنگی را مطرح کرد چرا که بسیاری از این نیروها با روش‌های جنگی ترکمانان ناآشنا بوده‌اند و بیشتر تشکیل دهنده پیاده‌نظام بودند.

نتیجه‌گیری

در واکاوی شیوه‌های جنگی در سه نبرد دندانقان، ملازگرد و دندانقان که هرکدام از این نبردها به ترتیب در هنگام آغاز حکومت، میانه‌ی حکومت و در پایان حکومت سلاجقه‌ی بزرگ شکل می‌گیرند، آنچه روشن و بدیهی است سلاجقه با گذر از زندگی ایلی و دام‌پروری و آشنایی با زندگی یکجانشینی و شهرنشینی به‌مرور استفاده از شیوه‌ی جنگ‌وگریز را که قبایل از آن استفاده می‌کردند کمتر استفاده نمایند. قبایل کوچ رو به دلیل آن که به یک مکان خاص وابسته نبودند هنگام هجوم دشمن می‌توانستند میدان جنگ را به راحتی ترک کنند و دوباره نیروهای خود را سازمان‌دهی کرده و به میدان جنگ بازگردند. در نبرد دندانقان این شیوه‌ی جنگی عامل اصلی پیروزی ترکمانان سلجوقی بر سپاه ثابت و حرفه‌ای سلطان مسعود غزنوی بود. پس از آن نیز در نبرد ملازگرد شیوه‌ی کمین و غافلگیری به‌گونه‌ای سازمان‌یافته مورد استفاده قرار گرفت. ولی در نبرد قطوان هیچ اثری از شیوه‌ی جنگ‌وگریز دیده نمی‌شود. به‌کارگیری سپاه ثابت و حرفه‌ای توسط سلجوقیان که از دوران الب ارسلان شروع شد ورود عناصر جدیدی از اقوام ایرانی و عرب را به سپاه سلجوقیان به همراه داشت که این نیروها بیشتر پیاده‌نظام بودند. بنابراین روش جنگ‌وگریز که روش و تاکتیک موردعلاقه ترکمانان بود به‌تدریج کنار گذاشته شد. در آغاز حکومت سلجوقیان سپاه سلجوقی بسیار سبک‌بار حرکت می‌کردند و هیچ‌گونه لوازم دست و پاگیر با خود به همراه نمی‌بردند، اما باگذشت زمان، سلاجقه چندین مطبخ و بیمارستان صحرائی با خود به همراه می‌برند که نشان از آن دارد که آمیخته شدن سلاجقه با فرهنگ شهرنشینی و یکجانشینی سبب گردیده استفاده از تجملات و وسایل اضافی در بین سلاجقه رواج پیدا کند و به‌جای پرداختن به

اصل موضوع یعنی یک نبرد ضربتی که فقط با سوارکاران ماهر و کارآموده در سریع‌ترین زمان ممکن صورت می‌گرفت، با حمل وسایل اضافه و استفاده از پیاده‌نظام که تحرک سواران ایلی را نداشتند، نتوانند کارآیی لازم را در مقابل قبایل کوچ رو قدرتمندی چون قراختائیان داشته باشند. درواقع می‌توان گفت کنار گذاشتن روش‌ها و تاکتیک‌هایی که عامل پیروزی ترکمانان سلجوقی در دندانقان و ملازگرد بود، باعث شکست قدرت نظامی آنان در فلات ایران گردید.

منابع

- آقسرایبی، محمود بن محمد (1362)، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخبار، به اهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابی المحاسن یوسف بن تغری بردی الاتابکی (1413 ق)، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قدم له و علق علیه محمد حسین شمس‌الدین، الجزء الخامس، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، عزالدین علی (1371)، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج 22 و 23، تهران، موسسه مطبوعات علمی.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (1412 ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، دراسه و تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطای، الجزء الخامس عشر و السادس عشر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (1368)، تاریخ ابن خلدون (العبر)، ترجمه عبدالحمید آیتی، ج 4، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الکاتب السمرقندی، محمد بن علی الظهیری (1349)، اغراض السیاسه فی اعراض الریاسه (متنی از قرن ششم هجری)، به تصحیح و اهتمام جعفر شعار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- امامی خوئی، محمدتقی، (1384)، «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام»، فصلنامه علمی- پژوهش دانشگاه الزهراء، سال پانزدهم، شماره 53، صص 45-60.
- بارتولد و. و. (تابستان 1366)، ترکستان نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول)، ج 2، ترجمه کریم کشاورز، بی‌جا، انتشارات آگاه.
- بازورث و دیگران (1380)، سلجوقیان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
- بنداری اصفهانی، فتح بن علی (1356)، زُبده النُصره و نخبه العُصره، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- بویل. جی. آ و دیگران (1381)، تاریخ ایران (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، ج 5، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بهجت، اکبر و هیکل آبادی، صغری (1384)، سلجوقیان، ج 1، تبریز، انتشارات همادز.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (1377)، تاریخ بیهقی، ویرایش متن جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز.

- پرویز، عباس (1351)، تاریخ سلاجقه و خوارزمشاهیان، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بی ناصر بن علی (1380)، زبده التواریخ (اخبار امرا و پادشاهان سلجوقی)، مصحح متن عربی: محمد نورالدین، ویراستار ناشر، تهران، انتشارات ایل شاهسون بغدادی.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (1364)، راحة الصدور و آیه السور در تاریخ آل سلجوق، به سعی و تصحیح محمد اقبال (تصحیحات لازم مجتبی مینوی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ستارزاده، ملیحه (1384)، سلجوقیان (431_590 ق)، تهران، انتشارات سمت.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (1376)، مجمع الانساب، ج 1 و 2، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، انتشارات چاپی امیرکبیر، ناشر دیجیتالی مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- فروزانی، ابوالقاسم (1388)، سلجوقیان از آغاز تا فرجام، تهران، انتشارات سمت.
- قفس اوغلی، ابراهیم (1367)، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داوود اصفهانیان، تهران، نشر گستره.
- عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر (1371)، قابوس‌نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (1363)، زین الاخبار، تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- لمبتون، ان. ک. س (1363)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مشکور، محمدجواد (1350)، اخبار سلاجقه روم، به انضمام مختصر سلجوق نامه ابن بی‌بی، تهران، ناشر کتابفروشی تهران.
- معزی، امیرالشعرا محمد بن عبدالملک نیشابوری (1362)، کلیات دیوان معزی، با مقدمه و تصحیح ناصر هیری، تهران، نشر مرزبان.
- جوزجانی، ابوعمر و منهاج الدین عثمان بن سراج‌الدین محمد (1342)، طبقات ناصری، ج 1، به تصحیح و تحشیه‌ی عبدالحی حبیبی قندهاری، کابل، انجمن تاریخ افغانستان.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی (1375)، تاریخ روضه الصفاء، ج 4، تهران، انتشارات علمی.

- نظام‌المک، بوعلی حسن بن علی (1348)، سیاست‌نامه (سیرالملوک)، تهران، به کوشش دکتر جعفر شعار، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری موسسه‌ی انتشارات فرانکلین.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی (1388)، چهار مقاله و تعلیقات بر اساس نسخه محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، تهران، نشر معین.
- یوسفی فر، شهرام، اصغری، بهزاد (بهار و تابستان 1392)، (بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی سیاسی امرای نظامی سلجوقی در گرایش‌های سیاسی امرا، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی)، سال دوم، شماره 1، صص 11 الی 136.

